

حقوق جزای عمومی

تألیف: دکتر محمدعلی معتمد

کتاب «حقوق جزای عمومی» تألیف دکتر محمدعلی معتمد استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران – که بتازگی از طرف انتشارات دانشگاه تهران چاپ و منتشر شده – نمایشگر کوشش‌های وسیعی است که مؤلف آن بکار گرفته و در عین حال بارقه امیدبخشی است که از نکات مهم حقوق جزا پرده برداشته است.

مؤلف خود مینویسد که «تاکنون در رشتۀ حقوق جزای بین‌المللی مطلقاً کتاب و حتی جزوه‌ای به زبان فارسی وجود ندارد و در حقوق جزای عمومی نیز از انتشاراتی که بصورت چاپ یا پلی‌کپی برای دورۀ لیسانس تهیه شده و برای تناسب آنها با کلاس مربوط ناچار به اختصار و ایجاز بوده‌اند»^۱ کتاب مستند و ارزشمند دیگری انتشار نیافته است.

درک این حقیقت، بخوبی نشان میدهد که گام نهادن در این راه تا چه حد با مشکل رو برو بوده است؛ بدین جهت هنگامی که خواننده در برابر چنین کتابی قرار می‌گیرد، بی‌اختیار لب به تحسین می‌گشاید و صمیمانه قدردانی می‌نماید بویژه که اصول اساسی کتاب با توجه به منابع اروپایی – که الهام‌بخش برخی از موارد حقوق جزای ایرانست – نگاشته آمده^۲ و علاوه بر آن به مصاداق گفته مؤلف بعدی ساده نوشته شده که «نه تنها برای حقوق‌دانان و دانشجویان حقوق بلکه برای اشخاص فاضلی که با علم حقوق سروکار نداشته‌اند نیز قابل درک»^۳ است. این ویژگی از محاسن مسلم هر نوع کتاب علمی است که نویسنده خود و خواننده را در میان

۱- حقوق جزای عمومی تألیف دکتر محمد علی معتمد، مقدمه، صفحه یک.

۲- ایضاً مقدمه صفحه سه.

۳- ایضاً ص ۱ و ۲

هزاران اصطلاح علمی غامض گرفتار نمی‌سازد ولی مقصود خود را بروشنی شرح میدهد.

اما این خصیصه بهمان اندازه که مستحسن شمرده می‌شود، دشوار است و کار هرکسی نیست.

گرچه این کتاب جلد اول از مجموعه مجلداتی است – که مؤلف بچاپ آن پرداخته – از نظر محتوا بسیار گرانبهاست و نگاهی کوتاه به فهرست مطالب آن بهترین روشنگر این حقیقت خواهد بود.

مندرجات این مجلد به سه بخش تقسیم گردیده است. در بخش نخست «سیر تکاملی حقوق جزا» مورد بحث قرار گرفته که از لحاظ ترتیب منطقی کلام نیز مورد قبول و بجاست و نخستین کلام را تعاریف مختلفی تشکیل می‌دهد که استادان فن درباره «حقوق جزا» بیان کرده‌اند. آنگاه در خصوص تکوین و سیر تکاملی حقوق جزا از نخستین ایام که «بشر در برابر حملات دیگران و آنچه ناروا تشخیص می‌داد بعکس العمل و دفاع می‌پرداخته و نسبت به هرکس که به او ظلم می‌کرده، حسن غریزی انتقام او را بر می‌انگیخته که به مقابله پردازد»^۱ تا امروز که قوانین مترقبی در اغلب کشورها حافظ شخصیت مادی و معنوی انسانهاست – موشکافی شده است.

فصل دوم به «مراحل حقوق جزا» اختصاص دارد که به مرحله بدوي و عرفی (یا مرحله انتقامی)، مرحله ارعاب، مرحله رعایت اصول انسانیت و مرحله علمی تقسیم شده و هریک از آنها با روشن‌بینی خاصی از جهات گوناگون به بحث کشیده شده و تغییرات اساسی هر کدام متناسب با پیشرفت فکری بشرخاطرنشان شده است. مؤلف، باریک‌بینی و دقت علمی را بدانجا رسانیده که به دورترین اعصار تاریخ مانند دوران هومر از راه شواهد و اسناد مکتوب راه یافته و شرایط داوری، نوع مجازات و بطورکلی سیستم قضایت را در هر زمان تا حد لزوم نمایانده است؛ نویسنده از دورانی که بگفته هومر، مردم «نه مجلس و اجتماع دارند و نه قاضی و نه قانون. آنان در مرکز کوهستانهای مرتفع در غار زندگی می‌کنند و هرکس بدون توجه به رفتار دیگران بمیل خود برای زنان و فرزندانش وضع قانون می‌کند»^۲ تا روزگار ما در هر مورد گفتنی‌ها را با استادی تمام بیان کرده و بویژه در بخش «دوران علمی حقوق جزا» مطالب بسیار جالب و خواندنی در باب «مکتب‌های تحقیقی و اثباتی»، «تشریع چگونگی ارتکاب جرم از نظر مكتب تحقیقی و اثباتی» و «سیستم‌های دفاع اجتماعی» ارائه داده است؛ سپس رشتة سخن را به «وضع رسیدگی جزائی در ایران قبل از مشروطیت» کشانیده و به مجازات‌های شرعی اسلام از قبیل: قصاص، دیه، حد، تعزیرات و مجازات‌های عرفی پرداخته که در حد خود درخور توجه است زیرا مؤلف با نظرانتقادی بدانها نگریسته و در هرجا که لازم بوده از ذکر عیوبی – که در روش‌های معمول زمان وجود داشته – خودداری نکرده است.

۱- حقوق جزای عمومی ص ۲.

۲- حقوق جزای عمومی ص ۱۱.

مثلا درباره «خصوصیات رسیدگی‌های عرفی» می‌گوید: «در کلیه جرائمی که رسیدگی به آنها بوسیله علمای وقت یا مقامات عزفی انجام می‌شد، صلاحیت نسبی و ذاتی و درجات مختلف رسیدگی، معمول نبود. یک نفر بجای مستنطق و محکمه بدوي، و رسیدگی‌های مراحل بعدی را – که اکنون معمول است – شخصاً رسیدگی می‌کرد و حکم می‌داد و گاه اتفاق می‌افتد که خود وی نیز حکم را اجرا می‌کرد. نوع خاص ادله، در رسیدگی عرفی لزومی نداشت و بمحض اینکه متهم اقرار می‌کرد یا ادله‌ای – هرچه بود – شخصی را که به رسیدگی پرداخته بود قانع می‌ساخت، کافی بود که حکم اجرای مجازات را بدهد. در اسلام اقرار و شهادت شهود، با شرایطی که برای شاهد وجود داشته است، قاطع بوده است.

پس از آن تأثیر انقلاب‌کبیر فرانسه و تحولات حقوقی اروپا در ایران موردنظر نویسنده کتاب قرار گرفته و نیز کیفیت محاکم جزا یا بتعییر آنروز «عدالتخانه» و «کاپیتولاسیون» در دوران قاجاریه و نارسایی‌های هریک نمایان گردیده است. یکی از فصول بسیار جالب این بخش شرح «مختصات و عیوب قانون جزای ایران» است که از منابع جزایی ایران نیز مطالبی در آن دیده می‌شود؛ سپس مؤلف به « تقسیمات حقوق جزا » و « ارتباط حقوق جزا » با رشته‌های دیگر حقوق و علوم دیگر و « حق تنبیه » توجه کرده است.

بخش دوم کتاب به تعریف « جرم »، عناصر تشکیل دهنده جرم و سایر موضوعات پیوسته بدان اختصاص دارد که مؤلف به شرح و انتقاد آنها پرداخته است. درباره « اصل قانونی بودن جرم و مجازات » می‌گوید: « اصل قانونی بودن جرم و مجازات برای دفاع جامعه، خطرناک است؛ زیرا ممکن است اعمالی در واقع و فی حد ذاته با مصالح و منافع اجتماعی تضاد و مباینت داشته باشند و در محدوده پیش‌بینی شده مقتن قرار نگیرند، یا مجرم با مهارت خاصی شرایط ارتکاب جرم را طوری تغییر بدهد که عمل ارتکابی با شرایطی که قانون تعیین کرده است، مطابقت نکند. در این حالات با قبول اصل قانونی بودن جرم و مجازات، دست جامعه برای مجازات مجرم بسته است و در نتیجه، این قبیل اعمال بی‌مجازات می‌مانند و این چنین مجرمی مجازات نمی‌شود ». ^۱

ویژگی‌های ذاتی و اجتماعی و سیر قوانین و جزایی و نوع ارتباط آنها با سیاست و مملکتداری، دنباله بحث را تشکیل می‌دهد.

در آخرین بخش کتاب تقسیمات جرائم و انتقاداتی – که در مورد هریک شده است – با ادله کافی و مشروح مطرح شده است. آنچه در این بخش شایان دقت می‌باشد، انتقادهایی است که درباره برخی از مواد قانون جزای ایران بعمل آمده است.

نیک پیداست که تألیف و نوشتن کتابی چنین فشرده در موضوعی بسیار مهم دشوار است اما مؤلف توانسته است از عهدۀ مطلب برآید و به تألیفی پردازد که از

۱- حقوق جزای عمومی ص ۱۵۵.

هر جهت قابل استفاده می باشد.
توفيق بيشتر مؤلف را در انجام اين گونه خدمات فرهنگي و قضائي آرزومنديم
و اميدواريم بقيه مجلدات آن هم چاپ شود و در دسترس همگان قرار گيرد.

